



Copyright © 2005 Max and Zentao. See www.maxandz.com/textures



خنده خونین!

آهنگران پیر، همه پتک‌ها به دست
در چشم‌شان طلیعه خورشید زندگی

روئیده در دیار افق خوشه‌های خشم
افسرده بر لبان شفق، بوسه‌های ماه
پنداشتی غریو خدایان آسمان
پیچیده در کرانه‌ی خاموش زندگی
بگرفته از فروغ شفق رنگ انتقام
آن گونه‌های سوخته از شرم بندگی

امروز شبکه‌ی الجزیره تصاویر هولناک تهاجم سگ‌های هار جمکران را به یک زن جوان در تهران پخش کرد. چند مأمور «انتظامی» به ضرب و شتم یک زن مشغول بودند. یک زن جوان، با موهای تیره و روسری سیاه، بدون آرایش، بدون نقاب، به ویژه بدون نماد طاعون سبز با دست‌خالی به چنگ مزدوران «نظم استعماری» افتاده بود. البته به یاد داشته باشیم که این وحشیگری‌ها فقط برای حفظ «ایمان» و «باورها» و «اعتقادات» مردم «مسلمان» ایران صورت می‌گیرد. بلکه ملت ایران اعتقاداتش نیز همچون ثروت‌های‌اش «صاحب» دارد! «صاحب» اعتقادات قلبی ما در واشنگتن نشسته! ایشان، خودشان «اعتقاد» تعیین می‌کنند. هر گاه پنتاگون اراده کند، ملت ایران باید اعتقاداتش را «تغییر» دهد. سپس مشتی لات و



[...]
در هم شکسته است تو گوئی سکوت
مرگ
در رستخیز این شب تاریک واپسین
برقی دمیده از دل آفاق دوردست
تا سایه‌ی کبود شب افتاده بر زمین
خواند به پاس روز ظفر، باد شامگاه
شکرانه‌ی گسستن زنجیر بندگی

با توقیف یک کشتی حامل تجهیزات نظامی در آب‌های قبرس، آخرین رویاهای محفل طالبان‌پرور هیلاری کلینتون نقش بر آب شد! هیلاری کلینتون در سفر اخیر خود به اسرائیل تلاش کرد با تأیید تلویحی سیاست شهرک‌سازی، تنور حماس و نوکران در جمکران را داغ و گرم نگاه دارد. پس از پایان مانور نظامی آمریکا و اسرائیل در تاریخ ۸ آبان‌ماه سالجاری، آمریکا برای اثبات حسن‌نیت خود نسبت به حکومت اسلامی، بنیامین نتانیاهو را فرمود، یک کشتی حامل سلاح و مهمات آخرین مدل برای رهبر فرزانه ارسال کند.

زمینه بسیار مناسب بود، چرا که دولت ترکیه علیرغم کشتار کردها، ژست ضداسرائیلی گرفته خود را مدافع حقوق فلسطینی‌ها جلوه می‌داد. و خلاصه هیچکس به ذهن‌اش خطور نمی‌کرد که اسرائیل از آب‌های قبرس برای ارسال سلاح به گورکن‌ها استفاده کند! می‌دانیم که بخشی از جزیره‌ی قبرس با حمایت آنگلو ساکسون‌ها توسط ترکیه اشغال شده و از طریق بخش ترک‌نشین قبرس به راحتی می‌توان پیشرفت گورکن‌ها را در «همه‌ی زمینه‌ها» تضمین کرد تا سگ‌های هار استعمار بتوانند روز فرخنده‌ی ۱۳ آبان‌ماه ۱۳۸۸، با خیال آسوده ایرانیان بی‌دفاع را در خیابان به زیر ضربات مشتی و لگد و باتوم بیاندازند.

چاقوکش و جنایتکار با لباس شخصی، یا با یونیفورم مأمور مراقبت از همین «اعتقادات» می‌شوند. او با ما هم برای شان پیام دوستی می‌فرستد، تا برای سرکوب ملت ایران یعنی حفظ «باورها» و «ایمان‌شان» به حمایت همه جانبه ارباب پشت‌گرم باشند.

پنداشتی که خشم فروخورده قرون جوشیده از خرابه فرتوت روزها پنداشتی که شیون قربانیان جنگ آتش فکنده در دل آتش‌فروزها از سینه‌ها رسیده به لب‌ها سرود خشم افکنده در حریم دل آسودگان هراس

امروز سردار جعفری در مراسم معارفه فرماندهان جدید قرارگاه قدس «جنوب شرق» و سپاه سلمان بلوچستان فرموده‌اند، «دشمنان» ایمان و باورهای مردم ایران را هدف گرفته‌اند و «رسالت» سپاه مبارزه با این تهدیدهاست! روشن‌تر بگوئیم، سردار از اسرائیل و آمریکا اسلحه و تجهیزات دریافت می‌کنند تا «باورهای» ایرانیان را شناسائی کرده و کسانی را که «باورهای‌شان» مخالف تأمین منافع آمریکا باشد، به زور سر نیزه و گاه از طریق اعدام به «راه راست» هدایت فرمایند. سردار جعفری در ادامه می‌گوید، دشمنان باورهای مردم ایران را هدف گرفته‌اند و سپاه برای مقابله با هر تهدیدی علیه حکومت اسلامی آماده‌گی دارد. به عبارت دیگر این پاسدار جنایتکار آشکارا می‌گوید، ملت ایران حق ندارد «باورهای» خود را تغییر دهد! چرا که تغییر باورهای ایرانیان موجودیت حکومت توحش را تهدید می‌کند. «باورها» و «ایمان» ملت ایران چگونه باید باشد

تا سردار جعفری رضایت خاطر داشته باشند؟ تأیید بی‌قید و شرط صورت‌گی به نام «حکومت اسلامی» که از بدو استقرار تاکنون با تکیه بر «ابهام» اسلام، در مسیر پیروی از سیاست آنگلو ساکسون‌های دو سوی آتلانتیک هر روز رنگ عوض کرده، و به دلیل الزام «تغییر رنگ» مداوم این حکومت لازم است «باورها» و «ایمان» مردم ثابت باقی بماند، تا شیوخ خیانتکار بتوانند با توسل به آیات متناقض قرآن و حدیث و روایت و نهج البلاغه و کتاب‌دعاهای دیگر، تأمین منافع اربابان خود را با زدن نعل وارونه «توجیه» کنند. به گزارش سایت نووستی، مورخ ۱۴ آبان‌ماه سالجاری، به نقل از فارس‌نیوز، سردار جعفری فرموده‌اند:

«دشمنان انقلاب اسلامی در تهدید نرم، ایمان و باورهای مردم مسلمان ایران را هدف [گرفته‌اند] جنگ نرم با تهدیدات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آغاز می‌شود [...] سپاه پاسداران با توجه به رسالت و مأموریت خود آمادگی مقابله با هر نوع تهدیدی علیه جمهوری اسلامی را دارا است.»

البته پاسدار جعفری گزاره‌گوئی می‌فرمایند. هیچ ملتی در برابر استعمار تسلیم نشده که ما تسلیم شویم. هیچ دولتی هم با تکیه بر حمایت استعمار نتوانسته «جاوید و پاینده»، برقرار و استوار بماند. بدبخت‌ها کور که نیستید! روز ۱۳



آبانماه، سلاح‌هایی که ارباب‌تان از اسرائیل ارسال کرده بود توقیف شد! اگر چه بوق‌های استعمار برای فوت کردن در آستین پارهٔ حکومت توحش ادعا می‌کنند، این «حکومت اسلامی» است که سلاح و تجهیزات به لبنان و سوریه ارسال می‌کند! ولی ما که می‌دانیم اسلحه از اسرائیل با اجازهٔ آمریکا به ایران «صادر» می‌شود تا به عمر نکبت‌بار حکومت اسلامی چند صباحی بیافزایند. بله، این حکومت «ضدامپریالیست» جمکران است که در راه نوکری برای سرمایه‌سالاری جهانی نعل وارونه می‌زند، آنهم طی سه دهه! حکومتی که سرنوشت‌اش در دست محافل جهانی «طالبان پروری» است. محافلی که مواضع‌شان، لحظه به لحظه تضعیف می‌شود.

کافی است نگاهی به وضعیت مفتضح حمیدکرزای، رئیس متقلب جمهوری تقلبی و دست‌ساز ناتو در افغانستان بیاندازیم تا ببینیم حمایت آشکار اربابان، و به ویژه سازمان رسوای ملل کارش به کجا کشیده! کافی است به فروپاشی پاکستان بنگریم تا ببینیم تضعیف و نابودی مراکز طالبان پروری سرنوشت ترکیه و جمکران را رقم خواهد زد. سردار جعفری! شما که توانائی دیدن «باورهای» ملت ایران را دارید، چرا پیامدهای سفر میلیبند به مسکو را نمی‌بینید؟ این مسافرت سه روزه و به ظاهر بی‌نتیجه همهٔ برنامه‌های محفل کلینتون را در صحنهٔ سیاست بین‌الملل خنثی کرد! ابتدا هیلاری کلینتون هر چه در اسرائیل گفته بود «تصحیح» کرد، سپس کشتی حامل سلاح‌های اسرائیل برای شما پیش پای «لاوروف» در قبرس توقیف شد، و روز ۱۳ آبان‌ماه مقام معظم و شرکاء را در ماتم «تغییر» نشانند. امروز هم نمایندگان مجلس عراق در مورد منطقهٔ نفتخیز «کرکوک» به توافق رسیدند! خلاصه سفر میلیبند به مسکو نشان شکاف آشکار بین آمریکا و انگلستان در منطقه است. روشن‌تر بگوئیم انگلستان ناچار شد خود را به مواضع روسیه و آلمان نزدیک کند. با مسافرت دیوید میلیبند به روسیه، دلائل عقب‌نشینی وزارت امور خارجهٔ آمریکا از روز هم «روشن‌تر» شده!

خلاصه پس از توقیف کشتی استرالیائی حامل تجهیزات نظامی که از طریق امارات «زرادخانه» اسلام را زینت می‌بخشید، امروز حکومت «مستقل» جمکران و گورکن‌ها از دریافت سلاح‌های اسرائیلی نیز محروم شدند! توقیف کشتی حامل سلاح‌های به اصطلاح «ایرانی» در آب‌های قبرس، یکی دیگر از پیامدهای سفر دیوید میلیبند به روسیه است. این کشتی در واقع حامل تجهیزات ساخت اسرائیل برای گورکن‌ها بود. البته این نخستین بار نیست که اسرائیل با موافقت یانکی‌ها به جنایتکاران جمکران سلاح می‌فروشد. ۵ روز پیش از آنکه صدام حسین، رئیس جمهور وقت عراق رسماً آمادگی کشورش برای بازگشت به مرزهای بین‌المللی را اعلام کند، در تاریخ ۲۱ اکتبر سال ۱۹۸۲، سفیر اسرائیل در ایالات متحد رسماً اعلام داشت که با موافقت آمریکا به حکومت اسلامی سلاح و تجهیزات نظامی تحویل می‌دهد. در واقع این اظهارات چراغ سبز به حکومت اسلامی جمکران بود برای رد پیشنهاد صدام حسین و تأکید بر تداوم جنگ. بله، به این دلیل بود که خمینی، ارواح شکمش «ضدامریکائی» پیشنهاد عراق را برای پایان دادن به جنگ نپذیرفت تا منافع اربابان‌اش تأمین شود، و آبروی‌اش نرود! ولی این نکات پیش پا افتاده از چشمان تیز بین نوآم چامسکی پنهان مانده!



از قوانین، مسئولیت‌گریزی و عدم پاسخگوئی به اعمال
قانون شکنانه!

گفتی بر آستانه این شامگاه تلخ در هم خزیده سایه مردان ناشناس در چشم‌شان طلیعه طوفانی شفق آرد خبر ز خنده خونین صبحگاه فریادشان گسیخته در آسمان شهر خشم سیاه‌شان همه جوشیده در نگاه

محل مذکور با استقرار حکومت اسلامی یک پایگاه
جهانی را برای قانون شکنی و عدم مسئولیت در ایران
مستقر کرد. البته این ساختار در ابتدای کار، و فقط
در ظاهر قرار نبود قانون شکن باشد! با این وجود دولت
مهدی بازرگان خود برخاسته از قانون شکنی بود. این دولت
از بدو استقرار غیرقانونی خود، با تکیه بر چماقداران و
اوباش کمیته‌ها و شهربانی و ساواک به سرکوب همه جانبه
مردم پرداخت، و طی ۸ ماه گام به گام دوران هرج و مرج
مصدق را «بازتولید» کرد تا زمان اشغال سفارت آمریکا فرا

ایشان برای حفظ منافع محفلی خود همچنان حاکمیت
اسرائیل را «دشمن» حکومت اسلامی معرفی می‌فرمایند. و
آشوب‌های «مردمی» دوران نکبت‌بار نخست‌وزیری محمد
مصدق را تلاش ایرانیان برای دست یافتن به «دمکراسی»
ارزیابی می‌کنند. همچنانکه بارها در این وبلاگ گفته‌ایم،
برای تحریف دمکراسی، پروپاگاندا استعمار آن را در ترداد
با آشوب و هرج و مرج قرار می‌دهد تا در واقع «سرکوب» را
توجیه کند. چرا که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند «آشوب» را
مورد تأیید قرار دهد. «آشوب» و «ایستائی» دو روی سکه
فاشیسم‌اند، و هر دو از رشد و شکوفائی جامعه جلوگیری
می‌کنند. بی‌دلیل نیست که چامسکی، متخصص «زبان
پروپاگاندا» کودتای ننگین ۲۲ بهمن را «انقلاب» و آشوب‌های
دوران مصدق را «دمکراسی» می‌خواند! چامسکی که در
تمام آثار خود البته به زبان انگلیسی مدافع «انسان‌محوری»
است، به ملت ایران که می‌رسد «انسان‌ستیز» و «پاسدارنواز»
می‌شود. بی‌دلیل نیست که مزخرفات گوساله‌پسند وی
پیرامون دوران سرکوب و آشوب مصدق در سایت پاسدار
محسن رضائی هم منتشر شده. گردانندگان سایت «تابناک»
می‌پندارند، از آنجا که نوآم چامسکی در جهان غرب به
آزادی‌خواهی شهرت یافته، پس این فرد هر مهملی در
مورد ایران بر زبان آورد، می‌باید «دفاع از آزادی» تلقی شود!
حال آنکه چنین نیست! نوآم چامسکی به بهانه دفاع از
حقوق بشر و انتقاد از آمریکا، در واقع پروپاگاندا ایران‌ستیز و
اسلام‌پرستانه محفل «برژینسکی - کارتر» را منعکس می‌کند.
سیاست این محفل فقط از راه جنگ و قانون شکنی تأمین
می‌شود و به همین دلیل است که به ادیان و به ویژه به
دین اسلام ارادت خاصی دارد. چرا که برای نقض قوانین و
هنجارهای بین‌المللی، یا بهتر بگوئیم برای توجیه «توحش»،
«لات‌بازی» و «قانون شکنی» در سطح جهانی ابزاری بهتر از
«دین اسلام» یافت نمی‌شود. دین کذا همچون دیگر ادیان
ابراهیمی در تضاد با هنجارها و قوانین و حقوق بین‌المللی
قرار می‌گیرد. از اینرو محفل «برژینسکی - کارتر» به ایجاد
ساختارهای موازی اسلامی و «مستقل»، یعنی «غیرمسئول»
کمر همت بسته. القاعده، حکومت جمکران، طالبان، جهاد
اسلامی، حزب‌الله و دزدان دریائی سومالی همه و همه یک
وجه مشترک دارند: «استقلال» و «قانون شکنی»! استقلال



رسید. در این مقطع بود که بازرگان شیاد همچون پیشوای اش، مصدق «مخالف‌نمائی» پیشه کرد. هر چند اینبار گاوچران‌ها کور خوانده بودند! شیوه «قهرمان سازی» کارگر نیفتاد و شیخ مهدی به عنوان مبلغ اکبر بهرمانی و «سازندگی» ایشان، البته سازندگی در زمینه قتل و آدم‌ربائی و انعقاد قراردادهای نان و آبدار با غرب راهی فرنگ شده، از ایرانیان برای «بازگشت» به بهشت جمکران دعوت به عمل می‌آورد. بگذریم!

در راستای این صحنه‌سازی‌های مهوع سایت حناز چوبه مطلبی منتشر کرده تا بگوید، اشغال سفارت آمریکا «خواست دولت» نبود، «خواست مردم» بود و «دانشجویان» به «خواست مردم» عمل کردند! اولاً «مردم» بی‌جا کرده‌اند که خواهان نقض قوانین بین‌المللی می‌شوند. تهاجم به سفارتخانه هر کشوری، طبق قوانین بین‌الملل «تهاجم به خاک آنکشور» به شمار می‌رود و بر اساس همان قوانین، کشوری که سفارتخانه‌اش اشغال شده مجاز است با توسل به نیروی نظامی از خاک خود دفاع کند. دولت بازرگان هیچ مخالفتی با اشغال سفارت آمریکا نداشت، کاملاً بر عکس! این دولت راه را برای اشغال سفارت آمریکا باز گذاشت تا زمینه‌ساز حضور نظامی اربابان‌اش در ایران شود. بگذریم!

حناز چوبه، مورخ ۱۳ آبان‌ماه سال‌جاری در مطلبی گوساله‌فریب با کد: ۷۷۲۸۸۹، ضمن ارائه دلائلی ابلهانه برای توجیه اشغال سفارت آمریکا، تلاش می‌کند سخنانی مبتذل، ابلهانه و در هم و آشفتۀ خمینی در مخالفت با کاپیتولاسیون را نیز بازنویسی کرده، لحن داش‌مشتی‌ها و اوباش حوزه و بازار را از آن بزداید! نویسنده از زبان خمینی، اشغال سفارت آمریکا را کوتاه کردن دست آمریکا از ایران و «واکنش طبیعی جوانان» به سیاست آمریکا معرفی کرده!

اینکه «دست آمریکا» با تعطیل سفارتخانه‌اش از ایران کوتاه شود، فقط در ذهن علیل امثال خمینی می‌گنجد. اینان در چارچوب آنچه دین اسلام می‌خوانند «واکنش طبیعی» و «رفتار حیوانی» انسان را «توجیه» می‌کنند. و از قضای روزگار آخوند منتظری شیاد هم اشغال سفارت را اخیراً محکوم کرده، البته نه به دلیل نقض قوانین بین‌الملل و قرار دادن ملت ایران

در برابر لوله توپ دیپلماسی یانکی‌ها و متحدان‌شان، که به دلیل «رنجش» مردم آمریکا! این شیادان پس از سه دهه حاضر نیستند مسئولیت جنایتی را که تحت اوامر اربابان‌شان در ایران مرتکب شده‌اند بپذیرند، و در هر گام سعی در مخدوش کردن ابعاد آن دارند. به هر تقدیر از امثال شیخ منتظری بیش از این انتظار نمی‌توان داشت. آخوند منتظری نیز در عمل ثابت کرده که جیره‌خوار همان سیاستی است که برای تأمین منافع خود، حکومت ایران را «مستقل» و «مسولیت‌گریز» می‌پسندد. همان سیاستی که رفتار منطقی، انسانی و قانونی را برای حاکمیت ایران مناسب «تشخیص» نمی‌دهد، چرا که ایرانی را «انسان» به شمار نمی‌آورد.

**آهنگران پیر ، همه پتک‌ها به دست
با چهره‌های سوخته در نور آفتاب**

[...]

**پتک گران به دست و دهان‌ها پر از
خروش**

فریادشان گسسته در آفاق شامگاه

[...]

(نادر نادرپور)

